



بیکه اکبر و موعود در آئینه سنی

مهدی فرمانیان*

چکیده

بنابر بررسی آثار و مکتوبات اهل سنت در طول تاریخ، بیشتر علما و اندیشه‌ورزان اهل سنت آموزه مهدی موعود را پذیرفته‌اند و تنها در نوع نگاه به امام و مصداق با امامیه اختلاف دارند. نگرش اهل سنت به امامت تأثیر عمیقی در نگاه آنان به مسئله مهدویت گذاشته است. نگاه آنان بیشتر روی کردی اجتماعی دارد.

در این نوشتار با تقسیم اهل سنت به متکلمان، اصحاب حدیث و سلفیه به این نکته دست یافته‌ایم که تمام متکلمان اهل سنت نیز آموزه منجی موعود را پذیرفته‌اند و حتی عقل‌گراترین آنان، یعنی معتزله نیز آن را قبول دارند. نگرش اصحاب حدیث به تفکر امامیه بسیار نزدیک است و حتی برخی از آنان در مصداق نیز همراه امامیه شده‌اند. سلفیه که در اخذ احادیث سخت‌گیرتر از بقیه عمل کرده‌اند، مهدی علیه السلام را از عترت و اولاد فاطمه علیها السلام دانسته‌اند و به نقل نشدن روایات مهدی علیه السلام در صحیح بخاری و مسلم وقعی ننهاده‌اند. دیدگاه آنان درباره عادل بودن مهدی موعود، تصویری زمینی از آن حضرت ساخته که مهم‌ترین کارکرد آن رفاه اجتماعی است. بیشتر بزرگان اهل سنت کارکرد معنوی برای حضرت تصور نمی‌کنند و حتی برخی قیام حضرت را به جهان اسلام مختص می‌دانند و آن را جهانی نمی‌بینند. تفکر اصحاب حدیث متشیع در این باره نیز همانند تشیع با کارکردی معنوی و جهانی برای قیام حضرت است.



واژگان مهدی

مهدویت، حکومت جهانی، عدالت اجتماعی، گسترش معنویت، سنیان معتدل، صوفیان سنی.

مقدمه

همواره پیروان اسلام در طول اعصار گذشته، مردی از اهل بیت پیامبر در آخرالزمان با شعار عدالت‌گستری و به همراهی و کمک انسان‌های بی‌شماری اعتقاد داشته‌اند. آن انسان الهی با حکومت بر روی زمین رفاه را در بین مردم گسترش خواهد داد. مسلمانان به پیروی از پیامبر که آمدن چنین شخصی را بشارت داده بود، نام وی را مهدی (هدایت الهی شده) نهادند. نام او از همان صدر اسلام در دل‌ها جای گرفت، بر زبان‌ها جاری شد، به نسل‌های بعدی منتقل گردید و در کتاب‌ها ثبت شد. بزرگانی از اهل سنت، با دیدگاه‌ها و مذاهب گوناگون در باب آن عدالت‌گستر تک‌نگاشته‌ها و رساله‌های مستقلی نوشتند و بسیاری از محدثان در کتاب‌های خویش بابی را به روایات و آثار مهدی علیه السلام اختصاص دادند. این آموزه در نزد اهل سنت به عنوان یکی از «اشراط الساعه» مطرح بوده و در طول تاریخ کارکرد بسزایی داشته است. این آموزه چنان مهم می‌نماید که عده کمی آن را انکار کرده‌اند. البته در قرن اخیر، عده‌ای به انکار آن پرداخته‌اند که ممکن است بر اثر موج عقل‌گرایی و شکاکیت برآمده از غرب باشد.^۱

برای پرداختن به موضوع مهدویت در دیدگاه اهل سنت، بررسی مفهوم اهل سنت^۲ و شمول مصداقی آن ضرورت دارد. سنت در معنای لغوی یعنی طریقه و روش^۳ و در اصطلاح، کاربردهای متفاوتی دارد. اهل سنت، آن را در مقابل «بدعت» به کار می‌برند و آن را عمل مطابق با شرع می‌دانند. احمد بن حنبل این تفسیر از سنت را در بخش اعتقادات ترویج و تبیین کرد.^۴ او در تک‌نگاشته‌ای با نام «اصول السنّة»، سنت‌های اعتقادی را به شرح زیر طبقه‌بندی نمود:

۱. اقتدا و تمسک به اصحاب رسول خدا؛

۲. ایمان به قدر، خیر و شر آن؛

۳. قدیم و مخلوق نبودن قرآن؛

۴. رؤیت خداوند در روز قیامت؛

۵. ایمان به مثابه جزئی از ایمان؛

۶. افضلیت صحابه به ترتیب ابوبکر، عمر، عثمان و اصحاب شورا؛
۷. اطاعت از خلیفه؛ فاسق یا عادل؛
۸. عدم جواز خروج بر خلیفه مسلمانان؛
۹. عدم جواز بیان بدی‌های صحابه؛
۱۰. خلق بهشت و جهنم؛
۱۱. عدم کفر اهل قبله و استغفار برای آن.^۵

احمد بن حنبل این اصول را «اصول سنت» نامید و فرقه‌های معتزله، شیعه، مرجئه، قدریه، جهمیه و خوارج را به دلیل بی‌اعتقادی به اصلی از این اصول، بدعت‌گذار خواند.^۶ شافعیان و مالکیان به پیروی از رهبران‌شان این عقاید را پذیرفتند؛ زیرا رهبران آنان که در طیف اصحاب حدیث بودند،^۷ گاه جملاتی را در تأیید عقاید احمد بن حنبل بیان می‌کردند.^۸

حدود یک قرن بعد از او، سه نفر در جهان اسلام، یکی در مصر، دیگری در بصره و سومی در ماوراءالنهر، ظهور کردند و خود را اهل سنت و جماعت نامیدند. آنان تنها لفظ اهل سنت را شامل بسیاری از متکلمان می‌دانستند و طیف وسیعی را مصداق اهل سنت می‌شمردند. ابوجعفر طحاوی (متوفای حدود ۳۲۱ قمری) در مصر به هواداری از ابوحنیفه که احمد بن حنبل وی را از بدعت‌گذاران (مرجئی) می‌دانست، تک‌نگاشته‌ای با نام بیان اعتقاد اهل السنه نوشت و ابوحنیفه را از اهل سنت دانست.^۹ در شرق نیز متکلمی به نام ابومنصور ماتریدی (متوفای حدود ۳۳۳ قمری) به پیروی از ابوحنیفه برخاست و خود را اهل سنت و جماعت نامید و کتابی به نام تأویلات اهل السنه نوشت. دیدگاه‌های وی مکتبی به نام «مکتب کلامی ماتریدی» ایجاد کرد که تأثیر شگرفی در عقاید اهل سنت نهاد. ابوحفص نسفی (م ۵۳۷ قمری) نویسنده کتاب عقاید نسفی که قرن‌ها کتاب درسی بسیاری از مدارس اهل سنت بود، از این مکتب سر برآورد. بنابراین، کم‌کم ابوحنیفه از بدعت‌گذاران خارج شد و در صف اهل سنت قرار گرفت. ابوالحسن اشعری (متوفای حدود ۳۲۴

قمری) نیز در بصره مکتب مهم و بزرگ کلامی اشاعره را بنیاد نهاد. وی نخست با نوشتن کتاب الابانه خود را پیرو احمد بن حنبل معرفی کرد و در ادامه به تبیین دیدگاه‌های خویش پرداخت. با وجود آن که احمد بن حنبل، علم کلام را از علوم مذموم در اسلام معرفی کرد، ابوالحسن اشعری علم کلام را نیکو برشمرد و بر خلاف احمد بن حنبل علم کلام را از علوم اسلامی به شمار آورد. این چنین، مکتب کلامی اشاعره به عنوان مکتب کلامی اهل سنت شکل گرفت و بالید. در این مکتب بزرگانی چون ابوبکر باقلانی (م ۴۱۳ قمری)، امام الحرمین جوینی (م ۴۷۸ قمری)، غزالی (م ۵۰۵ قمری)، فخر رازی (م ۶۰۶ قمری) و تفتازانی (م ۷۲۹ قمری) ظهور کردند. معتزله هم‌چنان در نزد اهل سنت از بدعت‌گذاران باقی ماند تا این که با حمله مغول به طور کلی از بین رفت. نویسنده به پیروی از علمای امامیه و به سبب هم‌فکری معتزله با اهل سنت در بحث امامت، معتزله را از اهل سنت می‌داند که به بیان مطالب کوتاهی از آنان می‌پردازیم.

از سوی دیگر، در فقه اهل سنت از قرن دوم مکاتب فقهی مختلفی از جمله اوزاعی، سفیان ثوری، طبری (جربری)، حنفی، لیثی، ظاهری، شافعی، حنبلی، مالکی و کرامی ظهور یافتند که چهار مکتب از آنان در طول تاریخ باقی ماند. فقه مالکی، شافعی و حنبلی با رویکرد حدیث‌گرایی و توجه به آرا و نظرات صحابه و تابعین شکل گرفت و فقه ابوحنیفه با توجه به قیاس، به اصحاب رأی معروف گشت. در عصر حاضر بیشتر اهل سنت را حنفیان (ماتریدیان) و سپس شافعیان (اشاعره) تشکیل می‌دهند؛ اگرچه رویکرد سلفی‌گری در عصر حاضر قدرت رو به رشدی دارد.^{۱۰}

بنابر مطالب بیان شده در این نوشتار و مشخص شدن محدوده مصداقی و مفهومی اهل سنت و از آن‌جا که به اصحاب حدیث بیشتر از دیگر گروه‌ها پرداخته‌اند، به موعودباوری در نگاه متکلمان اهل سنت می‌پردازیم و بیشتر بحث را درباره اصحاب حدیث پی می‌گیریم. در ادامه نیز با بازبینی علل انکار یا تردید منکران یا مرددان در بحث مهدویت و بنابر داده‌های فراهم شده، تحلیلی گونه‌شناسانه درباره موعودباوری اهل سنت بیان می‌کنیم.

موعودباوری در اندیشه متکلمان اهل سنت

علم کلام را به اختصار «دفاع عقلانی از دین» تعریف کرده‌اند.^{۱۱} بنابراین، از متکلمان نباید توقع داشت که در کتب خویش مباحث مهدویت را پی بگیرند، هم‌چنان که در بسیاری از کتب معروف و معتبر کلامی، مطلبی در این باره یافت نمی‌شود. این نیافتن، دلیل بر انکار یا عدم توجه متکلمان اهل سنت به این موضوع نیست، بلکه با توجه به موضوع علم کلام و تکیه داشتن مباحث مهدویت به ادله نقلی، برای طرح این نوع مباحث در کتب کلامی جایی نمی‌ماند. دیگر این که موضوع مهدویت در نزد اهل سنت، جایگاهی رفیع و بلند شیعی را ندارد و نگاه آنان به این مسئله، بازگشت به امامت و خلافت است. هسته اصلی و مرکزی فکر شیعه حول محور امامت می‌چرخد و بیشترین کتاب‌های شیعی در این زمینه نوشته شده، ولی امامت و خلافت نزد اهل سنت مسئله‌ای فرعی است. بعضی از بزرگان متکلم سنی گفته‌اند:

ما به تبع روش مشهور، مسئله امامت را نیز در کلام بحث کرده و می‌آوریم و الا کلام جای مباحثی هم‌چون امامت نیست.^{۱۲}

سومین نکته مهم در نزد اهل سنت این است که از قدیم، زمانی که هنوز مباحث کلامی در آنان شکل نگرفته بود، بیشتر علما و بزرگان آنان، مباحث مهدی را ذیل بحث «اشراط الساعه» بیان می‌کردند و به آن می‌پرداختند. در کلام نیز موضوع «اشراط الساعه» مطرح نیست و یا به صورت گذرا درباره آن بحث نموده‌اند، هم‌چنان که با تفحص در کتاب‌های شرح مواضع ایجی، المطالب العالیه فخر رازی، مغنی قاضی عبدالجبار، تبصرة الادله ابومعین نسفی، اصول الدین بزدوی، اصول الدین احمد غزنوی حنفی،^{۱۳} ابکار الافکار سیف‌الدین آمدی، نهایة الاقدام شهرستانی، الاقتصاد فی الاعتقاد

برای پرداختن به موضوع مهدویت در دیدگاه اهل سنت، بررسی مفهوم اهل سنت^۲ و شمول مصداقی آن ضرورت دارد. سنت در معنای لغوی یعنی طریقه و روش^۳ و در اصطلاح، کاربردهای متفاوتی دارد. اهل سنت، آن را در مقابل «بدعت» به کار می‌برند و آن را عمل مطابق با شرع می‌دانند.

غزالی، اصول الدین عبدالقاهر بغدادی، البراهین فی علم الکلام فخر رازی، الارشاد و الشامل فی اصول الدین امام الحرمین جوینی، التمهید باقلانی و...، مطلبی درباره «اشراط الساعه» یافت نمی‌شود. نسفی در کتاب شرح عقاید خود، «اشراط الساعه» را خروج دجال، یاجوج و ماجوج، نزول عیسی و طلوع شمس از مغرب بیان نموده، از مهدی علیه السلام ولی یادی نکرده است. تفتازانی در شرح آن می‌نویسد:

احادیث صحیح در «اشراط الساعه» بسیار است. هر کس طالب آن است به کتب تفسیر، تاریخ و سیره مراجعه کند...^{۱۴}

تفتازانی، متکلم اشعری، در شرح المقاصد درباره مهدی علیه السلام می‌نویسد:

احادیث صحیحی پیرامون ظهور امامی از اولاد فاطمه که در زمین عدالت می‌گسترد و نزول عیسی، وارد شده است... ولی این اخبار، اخبار آحاد است. اما خروج دجال تواتر معنوی دارد... ولی این که عیسی پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌خواند، به عکس، مستندی ندارد.

وی روایاتی را نیز در این باب بیان می‌کند که همان احادیث موجود در کتاب‌های حدیثی است.^{۱۵} در میان ماتریدی مذهب، ملاعلی قاری، متکلم و حدیث‌شناس معروف، در کتاب شرح الفقه الاکبر^{۱۶} ذیل بحث اشراط الساعه می‌نویسد:

از «اشراط الساعه» ظهور مهدی علیه السلام است. ترتیب قضیه این است که مهدی علیه السلام در حرمین شریفین ظهور می‌کند و به بیت المقدس می‌آید. در آن جا دجال ظهور می‌کند و مهدی علیه السلام را محاصره می‌نماید. عیسی از مناره شرقی دمشق نزول می‌کند و دجال را از بین می‌برد و عیسی پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌خواند... و عیسی چهل سال در زمین باقی می‌ماند، سپس از دنیا می‌رود و مسلمانان بر وی نماز می‌خوانند و او را دفن می‌کنند... در روایتی هفت سال آمده که جمع‌شدنی است، به این نحو که وی در ۳۳ سالگی به آسمان صعود می‌کند و بعد از نزول، هفت سال در این دنیا زندگی می‌کند. در شرح عقاید آمده... که مهدی علیه السلام پشت سر عیسی نماز می‌خواند...^{۱۷}

بهاءالدین زاده (م ۹۵۲ قمری) در شرح دیگری بر فقه اکبر اشراط الساعه را خروج مهدی علیه السلام برمی‌شمرد. وی با بیان روایاتی مهدی علیه السلام را مردی از اهل بیت رسول دانسته که عدالت را بعد از کثرت ظلم و فساد گسترش داده، در حالی که علم اندک و جهل بسیار گشته است.^{۱۸} ابن ابی‌الحدید معتزلی نیز در شرح نهج البلاغه با اشاره‌ای به این مبحث می‌نویسد:

کلام حضرت امیر که می‌فرماید: «بنا تختم...» اشاره به مهدی علیه السلام است که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد. اکثر محدثان آن را از اولاد فاطمه دانسته و اصحاب ما (معتزله)

منکر آن نیستند. آنان در کتبشان از مهدی یاد کرده‌اند و شیوخ معتزله به آن معترفند، مگر این که قائلند به دنیا نیامده و در آینده خلق می‌گردد و این همان مذهب اهل حدیث است...^{۱۹}

در گفتار ابن ابی‌الحدید نکات دقیقی نهفته است: اول این که معتزله (عقل‌گراترین فرقه در اسلام) به مهدی علیه السلام اعتقاد داشته‌اند و آن را انکار نکرده‌اند که این نشانه قوت احادیث رسیده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله درباره مهدی علیه السلام است؛ نکته دوم، همانندی دیدگاه معتزله با اصحاب حدیث است. بنابر این همانندی، در جست‌وجوی بحث مهدویت از دیدگاه اهل سنت، باید به اهل حدیث مراجعه کرد و این مبحث را از متکلمان کمتر باید سراغ گرفت؛ سوم این که مبحث مهدی علیه السلام در کتب معتزله بیان شده، اما مع‌الاسف بیشتر آنان از بین رفته‌اند و اکنون در دست‌رس نیستند. بنابر مطالب بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت که اشاعره در کتب خود به این مبحث کمتر پرداخته‌اند. ماتریدی نیز به پیروی از ابوحنیفه، به «اشراط الساعه» و مباحث مهدی علیه السلام بیشتر توجه نموده‌اند و نگاه متکلمان (اعم از معتزلی، اشعری و ماتریدی) در باب مهدی علیه السلام همان نگاه اصحاب حدیث است. نکته مهم آن که خیلی از متکلمان در باب مهدی علیه السلام سکوت کرده‌اند، ولی هیچ گزارشی نیز بر رد ظهور مهدی علیه السلام از متکلمان بیان نشده است.

گونه‌شناسی منجی موعود در نگاه اصحاب حدیث^{۲۰}

در تاریخ‌نویسی ملاحم و فتن در میان اهل سنت، چندین کتاب مهم وجود دارد. بنابر نظر ابن طائوس (م ۶۶۴ قمری)، «تمی‌توان کتابی در ملاحم و فتن نوشت و از کتاب الفت نعیم بن حماد مروزی (م ۲۲۹ قمری)، [از اصحاب حدیث و استاد بخاری] و... خبر نگرفت...»^{۲۱} از کتب دیگر در این باره، السنن الوردیة فی الفت از ابوعمرو دانی (م ۴۴۴ قمری) به شمار می‌رود که تازگی در عربستان چاپ شده است.^{۲۲} بیشتر سنیان متشیع^{۲۳} و اصحاب حدیث از کتاب‌های دیگری هم‌چون الملاحم ابن منادی، البعث و النشور بیهقی، مناقب المهدی یا اربعین حدیث فی المهدی^{۲۴} و صفة المهدی از ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ قمری) بهره برده‌اند که بعضی از آنها از بین رفته‌اند، ولی نقل قول‌های بسیاری از این کتاب‌ها در عقد الدرر فی اخبار المنتظر نوشته یوسف بن یحیی شافعی (از علمای قرن هفتم قمری)، البیان فی اخبار صاحب الزمان از محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۶۵۸ قمری) و... می‌توان یافت. نعیم بن حماد در کتاب الفت (قدیمی‌ترین کتاب این طیف) جریان اصحاب حدیث متساهل را آغاز نموده و می‌توان این خط سیر را در پنج کتاب از شش کتاب بیان شده^{۲۵} و کتبی هم‌چون التذکره فی احوال الموتی و امور الآخرة از قرطبی (م ۶۷۱ قمری)، ذخائر العقبی از محب‌الدین طبری (م ۶۹۴ قمری)، خریدة العجائب ابن‌وردی (م ۷۴۹ قمری)، العرف الوردی

سیوطی (م ۹۱۱ قمری)، کنزالعمال متقی هندی (م ۹۷۵ قمری)، ملاعلی قاری (م ۱۰۴۱ قمری) در مرقاة المفاتیح،^{۲۶} المشرّب الوردی فی مذهب المهدی، سفارینی حنبلی (م ۱۱۸۸ قمری) در لوامع الانوار، محمد بن سلوم (م ۱۲۴۶ قمری) در مختصر لوامع الانوار البهیة و سواطع الاسرار الاثریة، صبان شافعی (م ۱۲۰۶ قمری) در اسعاف الراغبین، قندوزی (م ۱۲۷۰ قمری) در ینابیع الموده، بلیسی شافعی (م ۱۳۰۸ قمری) در العطر الوردی و محمد بیومی مصری در الامامة و اهل البیت پی گرفت. ویژگی‌های این گروه از اصحاب حدیث اهل سنت این بود که در استناد به احادیث و پیرو آن احادیث مهدی و آثار رسیده از صحابه و تابعین سهل می‌گرفتند و در صورت تعارضات و تناقضات در پی حل و جمع آنها بودند و هیچ‌گاه با اصطلاحات جعل، وضع و ضعیف رفع تناقضات و تعارضات را پی‌نمی‌گرفتند.

ویژگی دیگر آنان در برابر سنیان متشیع، این است که در مصداق، هم‌چون دیگر اصحاب حدیث، مهدی علیه السلام را از اولاد امام حسن علیه السلام می‌دانستند که هنوز متولد نگردیده و در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد. شاید اغراق نباشد که در تمام این کتب، روایاتی از کتاب الفت نعیم بن حماد و کتاب ابونعیم اصفهانی یافت می‌گردد. بنابراین، کتاب الفت را سرمنشأ اصلی این جریان می‌نامیم و خطوط کلی جایگاه موعودباوری در اندیشه این طیف از اصحاب حدیث را بر اساس آن همراه با نیم نگاهی به کتب دیگر، بازسازی می‌نماییم. علامت‌های ظهور در این کتب، دو نوع است: علامت‌هایی که با هر زمانی انطباق می‌پذیرند که عبارتند از: اندک شدن توجه به علوم دینی و دین، فراگیری جهل، گسترش فحشا و فزونی بلا و خرابی^{۲۷} و علامت‌های ویژه ظهور مهدی علیه السلام، مانند ظهور مردی از بنی‌امیه با نام سفیانی در شام که بسیاری از ترکان و رومیان را به قتل می‌رساند و به سوی حجاز رهسپار می‌گردد. آن‌گاه که سفیانی به کوفه می‌رسد، یاران و شیعیان آل محمد را به قتل می‌رساند و سپاهی را به شهر مدینه روان می‌سازد. آن سپاه در مدینه به قتل و خون‌ریزی بنی‌هاشم می‌پردازد و نفس زکیه (مردی از آل البیت) کشته می‌شود. آل محمد نیز به مکه و خانه خدا پناه می‌برند.^{۲۸} با شنیدن این فجایع، عده‌ای از اهل مشرق با پرچم‌های سیاه (رایات سود) برای حمایت از بنی‌فاطمه رهسپار می‌گردند.^{۲۹} زمین، سپاه سفیانی را هنگام رفتن به مکه در محلی به نام بیداء می‌بلعد. در این هنگام منادی از آسمان ندا می‌دهد که مهدی علیه السلام امیر شماسست و زمین را پر از عدل و داد می‌کند.^{۳۰} ندای منادی باعث می‌شود مردم مکه با مردی چهل ساله از بنوفاطمه، هم‌نام پیامبر و از اولاد حسن با پیشانی بلند که بر گونه راستش خالی دارد، در بین رکن و مقام (در حالی که او اکراه از بیعت دارد) بیعت می‌نمایند. بیعت‌کنندگان اولیه به تعداد اهل بدرند.^{۳۱} مهدی علیه السلام با پرچم پیامبر، حجاز را فتح می‌کند و به بیت‌المقدس می‌رود. در کوفه رایات سود خراسان به وی می‌پیوندند و بدون خون‌ریزی بیت‌المقدس را فتح می‌کنند. در بعضی روایات دیگر آمده که آن‌چنان قتل عامی صورت می‌گیرد که مردم می‌گویند:

قسم به خدا این از اولاد فاطمه نیست؛ زیرا اگر از اولاد فاطمه بود، بر ما رحم می‌کرد.^{۳۲}

در بیت‌المقدس با یهودیان و مسیحیان به حکم کتاب مقدس قضاوت می‌کند و تابوت سکیه را از غار انطاکیه بیرون می‌آورد. به همین دلیل، بسیاری از یهودیان مسلمان می‌شوند. در این نوع نگرش، موعود فردی است که بر طریق عادی، ولی همراه با توفیقات الهی کار خویش را پیش می‌برد و در مقابل وی فردی به نام سفیانی است که بر دعوای قبیلای دامن می‌زند و به شیعیان و محبان اهل بیت سخت‌گیری می‌کند. نجات‌بخشی در گونه‌شناسی این گروه، تنها جنبه اجتماعی و برای گروهی از مسلمانان کارکرد بهتری دارد. درباره رفاه اجتماعی و کثرت مال در روایات آمده است که مال بسیار به مردم می‌بخشد، گنج‌های بسیاری را از دل زمین بیرون می‌آورد و به عدالت بین مردم پخش می‌کند، ساکنان آسمان و زمین از او راضی‌اند، آسمان برکات خود را نازل می‌کند و زمین هرچه در خود از نباتات دارد، بیرون می‌آورد. در زمان وی محسن بر احسانش می‌افزاید،

بنابر مطالب بیان شده در این نوشتار و مشخص شدن محدوده مصداقی و مفهومی اهل سنت و از آن‌جا که به اصحاب حدیث بیشتر از دیگر گروه‌ها پرداخته‌اند، به موعودباوری در نگاه متکلمان اهل سنت می‌پردازیم و بیشتر بحث را درباره اصحاب حدیث پی می‌گیریم. در ادامه نیز با بازبینی علل انکار یا تردید منکران یا مرددان در بحث مهدویت و بنابر داده‌های فراهم شده، تحلیلی گونه‌شناسانه درباره موعودباوری اهل سنت بیان می‌کنیم.

گناه کار از گناهای توبه می نماید و به مساکین رحم می کند. خداوند کارهای مهدی علیه السلام را در یک شب اصلاح می کند و نعمتی می دهد که به هیچ امتی نداده است.^{۳۳} سپس عیسی بن مریم بر مهدی علیه السلام نازل می شود. بنابر روایاتی، عیسی به مهدی علیه السلام اقتدا می کند و بنابر بعضی دیگر، مهدی علیه السلام پشت سر او نماز می خواند.^{۳۴} مهدی علیه السلام در زمین هفت، هشت یا نه سال و در بعضی از روایات چهل سال حکومت می کند و سپس از دنیا می رود.^{۳۵} مسلمانان بر وی نماز می خوانند، وی را به خاک می سپارند و بعد از وی فتنه ها پیش می آید. سپس فردی به نام قحطانی حکومت می کند.^{۳۶} این گروه، مهدی علیه السلام را موعودی بشری، همراه با کارکردی اجتماعی و بیشتر در حوزه اسلام می داند. آن چه گذشت، گزارشی کوتاه بود از صدها روایت و نوشته درباره مهدی علیه السلام از کتاب الفت و کتاب های متأثر از آن همچون عقد الدرر، ولی قبل از تحلیل آن چند نکته را یادآور می شویم:

۱. بیشتر مطالب کتاب الفت، اقوال صحابه و تابعین است و کمتر سلسله اسناد به پیامبر می رسد. با وجود این، اشکالی بر کتاب وارد نمی شود؛ زیرا هم چنان که بیان کردیم، تا اواخر قرن دوم، سنت بر اقوال پیامبر، صحابه و تابعین اطلاق شده است. با مراجعه به کتبی همچون الموطأ مالک بن انس (م ۱۷۹ قمری)، کتاب الاصل محمد بن حسن شیبانی (م ۱۸۹ قمری) المصنف عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱ قمری) که همانند کتاب الفت در همان فضا نوشته شده، می توان فهمید که چه مقدار از اقوال صحابه و تابعین در آنها وجود دارد که در اصطلاح حدیث به آنها اثر (به صورت جمع: آثار) می گفتند. با ظهور شافعی (م ۲۰۴ قمری) و نوشتن کتاب الرساله، آثار از مفهوم سنت خارج گردید و به معنای قول، فعل و تقریر پیامبر تبیین گردید. شافعی از این که برخی از فقها، مانند مالک بن انس و اوزاعی در مواردی، اقوال منقول از صحابه یا تابعین را بر احادیث رسیده از پیامبر ترجیح می دادند، نگران بود. شافعی با تحدید مفهوم سنت، نقطه عطفی را در تاریخ حدیث گرایی سنیان سبب شد که اندک اندک آثار صحابه از کتب حدیث خارج و آثار پیامبر رنگ و جلایی خاص یافت.^{۳۷} در این فضای جدید صحاح سته و موسوعه تسعه اهل سنت شکل گرفت و پاینده ماند.

۲. در بیشتر کتب یاد شده، نقل اقوال از حضرت امیر، امام حسین، امام باقر و گاه امام صادق: به وفور یافت می شود که این فرآیند را در کتب محدثان معروف اهل سنت (به ویژه در باب مهدی علیه السلام) نمی توان یافت.

۳. در روایات کتاب الفت، کنز العمال، البرهان فی علامات المهدی متقی هندی، العرف الوردی سیوطی و دیگران، رابطه وثیقی بین ظهور مهدی علیه السلام و خروج دجال دیده نمی شود. بعضی از روایات نزول عیسی را هنگام ظهور مهدی علیه السلام و نزول عیسی را هنگام قتل دجال می دانند. بنابراین، با بیان ارتباط این روایات موضوع خروج دجال را به قیام مهدی علیه السلام می توان پیوند داد. در کتاب عقد الدرر فی اخبار المنتظر تنها

یک روایت از پیامبر به طریق حذیفه، ارتباط ظهور مهدی علیه السلام و خروج دجال را بیان می کند،^{۳۸} در حالی که حدود ۴۴ صفحه درباره بحث دجال آمده است و دو اثر یکی از حضرت امیر و دیگری از کعب الاحبار به این مسئله می پردازند.^{۳۹} گویا نعیم بن حماد در کتاب الفت ارتباطی بین ظهور مهدی علیه السلام و دجال نمی بیند. ابن طاووس در الملاحم و الفت احادیث مهدی، عیسی و دجال را به یک دیگر مرتبط می داند.^{۴۰} همچنین عبارات ملاعلی قاری که در بخش متکلمان از آن نقل کردیم، این ارتباط را نشان می دهد.

بنابراین، با توجه به روایتی که این راویان نقل کرده اند، جایگاه موعود باوری را در این دسته به این صورت می توان بازسازی نمود. در این دیدگاه، مهدویت از اصول مسلم و قطعی اسلامی است. پیامبر از ظهور مردی از نسل فاطمه خبر می دهد که در پی خروج فرد ظالمی از بنی امیه برمی خیزد. این خبر از لحاظ کارکرد اجتماعی، تنها به نجات بخش اجتماعی اشاره می کند که مهم ترین خصیصه آن عدالت پروری از نوع تقسیم ثروت به صورت بسیار در بین تمام مردم است. این عدالت خواهی زمانی کوتاه دارد و سریع به پایان می رسد. بسیاری از مقدمات این عدالت خواهی با کمک و توفیقات الهی همچون ندای منادی آسمانی، بارش باران بسیار، نزول عیسی و کمک در قتل دجال، روییدن نباتات و خروج گنج ها با علمی که از خداوند در باب گنج های زمین دارد، صورت می گیرد. مقام این موعود نه آن چنان فوق طبیعی و نه همچون زمینیان است، ولی در عین حال دارای عصمت و علم غیب نیست و صفات مافوق بشری ندارد. ظهور وی کارکردی در رشد علوم و عقول ندارد و بیشتر در باب نغم مادی مطرح است و در باب نعمت های معنوی کارکردی ندارد. موعود در این دیدگاه پایانی است، ولی به پایان این دنیا و قیام قیامت نمی انجامد. بنابراین، می توان آن را موعود پایانی، ولی در مقطعی از آن دوره دانست. مقدمات این ظهور، بر اساس دعاوهای قبیله ای (علوی - اموی) شکل می گیرد، ولی تثبیت آن برای عموم مردم رفاه آور است. کارگزاران وی به گونه قبیله ای به کار گمارده نمی شوند، بلکه اساس انتخاب آنان عدالت است. اگر چه لفظ زمین در روایات آمده، گستره حکومت وی در محدوده جهان اسلام است. ادیان در این دوران حضور دارند، ولی گرایش به اسلام (به دلیل عدالت پروری) افزون می گردد. بنابراین، او امام عادل به شمار می آید که برای سعادت دنیا و رفاه حال مردم می کوشد.

همان گونه که بیان شد، دسته دوم از اصحاب حدیث با پی گیری دلالت احادیث نبوی و با علوم جرح، تعدیل، رجال و درایه، سخت گیرتر از گروه نخست بودند. زمینه اصلی مطالعات آنان برخورد با معارف دینی و منابع نقلی (اعم از ظواهر قرآن، احادیث و آثار) بوده است. فقه آنان در برابر اصحاب رأی و اعتقاداتشان در برابر متکلمان، فلاسفه و عرفا قرار می گیرد. سلفیان و وهابیان را شاخص ترین ادامه دهندگان راه اصحاب حدیث می توان دانست. یک فرد می تواند در فقه از اصحاب رأی باشد،

ولی در اعتقادات از اصحاب حدیث پیروی کند.

بنابر نقل اصحاب حدیث، احادیث رسیده در باب مهدی علیه السلام بیشتر از پنجاه حدیث و صدها اثر است که در آنها صحیح، حسن و ضعیف وجود دارد.^{۴۱} احادیث ناآشکار درباره مهدی علیه السلام در صحیح بخاری و مسلم این چنین آمده است: «کیف أنتم إذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم»^{۴۲} و احادیث آشکار نیز در صحاح دیگر اهل سنت و موسوعه تسعه آنان آمده است. ابن ماجه در سنن،^{۴۳} ابوداود در سنن، ترمذی^{۴۴} در الجامع الصحیح،^{۴۵} احمد بن حنبل در مسند،^{۴۶} عبدالرزاق صنعانی در مصنف،^{۴۷} ابن ابی شیبہ در مصنف،^{۴۸} طبرانی در المعجم الکبیر^{۴۹} و المعجم الوسیط، ابن حبان در الصحیح^{۵۰} و دیگران که همگی از علمای قرن سوم و چهارم هستند، احادیث مهدی علیه السلام را در کتب خویش آورده‌اند. علمای قرون بعدی چیزی فراتر از آنها ندارند و جملگی مطالبشان را از تألیفات یا شاگردان علمای قرن سه و چهار اخذ کرده‌اند؛ عالمانی هم‌چون حاکم نیشابوری در مستدرک، ابن اثیر در جامع الاصول، ابن تیمیہ در منهاج السنة النبویه،^{۵۱} ابن قیم در المنار المنیف، ابن کثیر در الملاحم و الفتن یا النهایه، برزنجی در الاشاعه، قنوجی در الاذاعه، مبارکفوری در تحفة الاحوذی، عظیم‌آبادی در عون المعبود^{۵۲} و وهابیان هم‌چون بن باز، مفتی اعظم وهابیان در عصر حاضر، در مجله الجامعة الاسلامیه،^{۵۳} محمد ناصرالدین البانی، حدیث‌شناس مشهور معاصر، در تخریج احادیث فضائل الشام و دمشق و در سلسله الاحادیث الصحیحه،^{۵۴} عبدالمحسن عباد، نایب رئیس دانشگاه اسلامی مدینه، در الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحه الولدۃ فی المهدی،^{۵۵} حمود بن عبدالله تویجری در اتحاف الجماعه بما جاء فی الفتن و الملاحم و اشرط الساعه،^{۵۶} عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی در کتاب مهم المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الآثار الصحیحه،^{۵۷} یوسف الوابل در اشرط الساعه،^{۵۸} احمد بن حجر در العقائد السلفیه بأدلتها النقلیه^{۵۹} و کتاب ارزنده المهدی و فقه اشرط الساعه نوشته دکتر محمد احمد اسماعیل المقدم.^{۶۰}

مهدی در نزد اصحاب حدیث، یکی از علامت‌های آخرالزمان و از عقاید قطعی آنان شمرده می‌شود. او امام عادل است که در گروه مجددان هر صد سال قرار می‌گیرد؛ در سده آخرالزمان مجددی به نام مهدی، هم‌نام پیامبر و پدرش هم‌نام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله از اولاد فاطمه^{۶۱} از مکه ظهور می‌کند. خداوند در یک شب امور او را اصلاح می‌نماید و زمینی را که از ظلم پر شده، از عدالت پر می‌کند. آیات سود خراسان وی را همراهی می‌کند، آسمان با باران بسیار زمین را سیراب می‌نماید، زمین نباتات بسیار می‌رویانند، اسلام عزیز می‌گردد، ثروت مردم انبوه می‌شود و بخشش‌های مهدی در دوران حکومتش بدون حساب است. با ناراحتی یهودیان از این مسئله دجال یهود نیز بر مهدی علیه السلام قیام می‌کند، خداوند عیسی را به کمک مهدی علیه السلام می‌فرستد؛ عیسی دجال را می‌کشد و نماز را به مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند و مهدی علیه السلام هفت یا هشت سال حکومت عادلانه می‌نماید و سپس از دنیا می‌رود. در نگاه اهل سنت، مهدی کارکردی همه‌جانبه اجتماعی دارد که بیشتر کوشش آن گسترش عدالت مادی است، اگرچه عمل به شریعت و اسلام در آن دوره رونق می‌گیرد و توجه به معنویات بسیار می‌گردد. وی با توفیقات الهی و به قول البانی، با بارزترین صفات، یعنی حکمرانی بر اسلام، عدل را در بین مردم گسترش می‌دهد. او در حقیقت همان مجدد است که در هر سده می‌آید، ولی باید مسلمانان متحد باشند، نه مانند اکنون که احزاب بسیاری را تشکیل داده‌اند. گویا مهدی از همه جهت منحصر به فرد است؛ در علم، ورع، عبادت و در خلق و با این صفات صلح می‌آورد و به تصفیه و تربیت امت می‌پردازد.^{۶۲} بنابر تصریح این دسته از اصحاب حدیث، منظور از زمین در احادیث همان محدوده جهان اسلام است و موعود اینان، موعود پایانی به شمار می‌آید.

بنابر نظر ابن طاووس (م ۶۶۴ قمری)، «نمی‌توان کتابی در ملاحم و فتن نوشت و از کتاب الفتن نعیم بن حماد مروزی (م ۲۲۹ قمری)، [از اصحاب حدیث و استاد بخاری] و... خبر نگرفت...»

موعود باوری در میان سنیان متشیع

با نگاهی به تاریخ قرن‌های چهار و پنج، کسانی را در میان اهل سنت می‌توان یافت که بعضی از آموزه‌های تشیع (با کمی تغییر مفهومی) را پذیرفته‌اند. این گرایش با گسترش تصوف در میان مسلمانان سنی، به خصوص بعد از مطرح شدن بحث انسان کامل در تصوف، فزونی یافت. اولین گرایش‌ها را باید در بین معتزله جست‌وجو کرد. عده‌ای از معتزله کم‌کم به این نظر متمایل شدند که حضرت امیر علیه السلام افضل صحابه است و خلفای راشدین از نظر فضیلت در رتبه بعدی هستند.^{۶۳} در دسته‌های دیگر اهل سنت، کسانی از صوفیان، دوازده امام شیعیان را قطب الاقطاب یا ابدال و به تعبیری، انسان کامل زمان خود دانسته‌اند و بعد از پدیدار شدن سلسله‌های صوفی، غالب صوفیان سلسله خود را از طریق معروف کرخی به امام رضا علیه السلام و در ادامه به حضرت امیر رسانده‌اند. این دسته از سنیان، در فقه پیرو یکی از فقه‌های اربعه بوده‌اند و خلفا را پذیرفته‌اند، اما با عنوان‌هایی هم‌چون «هو شیعی»، «هو یتشیع»، «سنیان دوازده امامی» و «سنیان متشیع» شناخته و معرفی گردیده‌اند. بعضی از اینان در باب حضرت مهدی علیه السلام کتاب نوشته‌اند و گاه تمام آموزه‌های شیعی را در باب مهدویت پذیرفته‌اند. علمای امامیه نیز در تأیید آموزه‌های خویش در باب مهدویت بیشتر به این دسته نظر داشته‌اند و این افراد را مؤیدان دیدگاه امامیه دانسته‌اند که می‌توان به کتاب کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار میرزا حسین نوری مثال زد که حدود ۳۹ نفر از این علما را بیان کرده است.^{۶۴}

بنابر دیدگاه بیشتر سنیان متشیع، مهدی علیه السلام از اولاد امام حسین علیه السلام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری متولد گردیده و اکنون زنده و غایب از دیدگان است و در آخرالزمان (هرگاه خداوند صلاح بداند) همراه با نزول عیسی ظهور خواهد کرد. در دیدگاه اینان قبل از ظهور مهدی علیه السلام فردی از بنی‌امیه با نام سفیانی در شام ظهور می‌کند و سپاهش در بیداء به زمین فرو می‌رود، در این هنگام مهدی علیه السلام با رنگی عربی و جسمی اسرائیلی ظهور می‌کند. وقت ظهور، تمام مسلمانان (سنی و شیعه) با رغبت به وی می‌پیوندند، انسان‌های الهی دعوتش را می‌پذیرند و وی را نصرت می‌کنند. اینان وزیران مهدی هستند تا این که عیسی بن مریم از مناره شرقی دمشق در حالی که مردم در حال اقامه نماز عصر یا صبح به امامت مهدی علیه السلام هستند، همراه با دو ملک نزول می‌کند و بر مهدی علیه السلام اقتدا می‌نماید. عیسی در دوران مهدی علیه السلام صلیب‌ها را خواهد شکست و خوک‌ها را خواهد کشت. مشتبه شدن زنان به مردان، کثرت شهوات، خروج سفیانی، قتل یمانی در یمن، قتل نفس زکیه در بین رکن و مقام و صیحه آسمانی از علامات ظهور وی به شمار می‌رود. هم‌چنین از علایم ظهور وی، خروج رایات سود از طرف خراسان است. پیامبر در روایاتی فرموده‌اند که به آنان ببینید، اگرچه با خزیدن بر روی برف‌ها باشد (ولو حبّوا علی الثلج). آنان با وی در مکه بیعت می‌کنند و به

سوی کوفه درمی‌آیند. لشکریان خود را به شهرها گسیل می‌دارند و قسطنطنیه را فتح می‌نمایند. آن‌گاه سلطنتش شرق و غرب را می‌گیرد. بر بالای سرش ابری حرکت می‌کند و منادی ندا می‌دهد که این سپاه خلیفه خدا مهدی علیه السلام است. در دوران حکومتش گنج‌ها ظاهر می‌شود و خرابی‌ای در عالم نباشد، مگر این که آباد گردد. به هر کس هرچه احتیاج دارد، یاری می‌رساند و منادی ندا می‌دهد که مهدی علیه السلام بدون حساب می‌بخشد. در خطبه‌ای گوید: من همان بقیه‌الله هستم. دیگر در عالم، یهودی، نصرانی و کسی که خدا را نپرستد، باقی نمی‌ماند و همه مردم، ملت اسلام می‌گردند و غیر از خدا را عبادت نکنند. هفت یا هشت سال حکومت می‌نماید و بعد از حکومت وی، زندگانی دیگر خیری ندارد.

موعودباوری در این طیف از اهل سنت جایگاه بالاتری دارد. با کارکرد معنوی و اجتماعی آن، خداپرستی و معنویت فراگیر می‌شود و اجتماع به رفاه کامل می‌رسد. در بعضی از روایات، بیان شده که فردی دنبال فقیر می‌گردد تا به او صدقه دهد، ولی نمی‌یابد. موعودباوری در این اندیشه بسیار به موعودباوری شیعه نزدیک است، اگرچه به پایه آن نمی‌رسد. در میان آنان بحث غیبت مهم و دارای کارکرد کیهانی است. بزرگان این گروه، هم‌چون محمد بن طلحه شافعی (م ۶۵۲ قمری) نویسنده مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ابوالفرج عبدالرحمن بن جوزی حنفی معروف به سبط بن جوزی (م ۶۵۴ قمری) نویسنده تذکره الخواص،^{۶۵} ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵ قمری) نویسنده الفصول المهمه فی معرفة احوال الائمة، محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۶۵۸ قمری) نویسنده البیان فی اخبار صاحب الزمان، شمس الدین محمد بن طولون حنفی (م ۹۵۳ قمری) نویسنده الشذرات الذهبیه فی ترجمة الائمة الاثنی عشریه عند الامامیه، عبدالوهاب شعرانی شافعی (م ۹۷۳ قمری) نویسنده الیواقیت و الجواهر، ابن حجر هیثمی مکی (م ۹۷۴ قمری) نویسنده کتاب الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه،^{۶۶} حمدالله مستوفی (م ۷۵۰ قمری) نویسنده تاریخ گزیده، خواجه محمد پارسا (م ۸۲۲ قمری) نویسنده فصل الخطاب، فضل بن روزبهان (م ۹۲۷ قمری) نویسنده وسیلة الخادم الی المخدم،^{۶۷} عبدالواسع باخزری نویسنده مقامات جامی، ملاحسین کاشفی (م ۹۱۰ قمری) نویسنده روضة الشهداء هستند^{۶۸} که شاید بتوان ابن خلکان (م ۶۸۱ قمری) و ابن عربی (م ۶۳۸ قمری) را نیز در این طیف قرار داد، اگرچه کلمات ابن عربی تناقض دارد.

منکران مهدی در اهل سنت و علل انکار آنان

با بررسی مباحث مهدویت در کتب اهل سنت، منکران مهدویت در مقابل مثبتان بسیار اندکند و بیشتر آنان از متأخران و معاصران هستند. شاید بتوان کتاب المهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر نوشته شیخ عبدالله بن زید المحمود، رئیس دادگاه‌های شرعی قطر را در بیان نام منکران مهدویت و ادله آنان و کتاب الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی، نوشته عبدالمحسن بن حمد العباد را در رد

آن، را از بهترین تألیفات در این باره دانست.^{۶۹}

از قداما کسی به صراحت منکر احادیث مهدی علیه السلام نیست. اگرچه بعضی از علمای اهل سنت در این باره سکوت کرده‌اند، این سکوت دلیل انکار نیست. ابن خلدون (م ۸۰۸ قمری) اولین فردی است که به تفصیل به احادیث مهدویت پرداخته و آنان را تضعیف کرده است. وی در مقدمه بعد از بررسی ۲۳ حدیث از کتب اهل سنت و بحثی مبسوط درباره مهدی از نگاه اهل تصوف، در پی انکار آموزه مهدویت درمی‌آید. بینش او بر دو استدلال پایه‌گذاری شده که استدلال اول وی این است: نزد محدثان جرح بر تعدیل مقدم است. بنابراین، هر گاه در بعضی از رجال اسانید ایرادی بیابیم، به صحت حدیث لطمه وارد می‌سازد.^{۷۰}

ابن خلدون با بیان این مطلب به ارزیابی ۲۳ حدیث می‌پردازد و بعد از ارزیابی رجال آنها می‌نویسد:

این است کلیه احادیثی که ائمه حدیث درباره مهدی و ظهورش در آخر الزمان تخریج کرده‌اند و احادیث مذکور به جز خیلی و بلکه کمتر آنها خالی از اشکال نیست.^{۷۱}

استدلال دوم ابن خلدون این است:

... ولی حقیقتی که باید بر تو ثابت شود این است که هیچ دعوتی... به کمال نمی‌رسد، مگر در پرتو شوکت، عصیبت، ...و عصیبت فاطمیان و طالبیان، بلکه عصیبت تمام قریش در سراسر جهان متلاشی شده است و عصیبت ملت‌های دیگر بر عصیبت قریش برتری یافته است... بنابراین، اگر ظهور این مهدی صحیح باشد، هیچ راهی برای آشکار شدن دعوتش... بدون عصیبت خاندان فاطمیان نیست و با پراکندگی آنان در جهان، چنین قیامی امکان‌پذیر نخواهد بود.^{۷۲}

رجال‌شناسان بزرگ اهل سنت، استدلال‌های ابن خلدون را نقد کرده‌اند. نهایت مطلب برآمده از عبارات ابن خلدون این است که هنوز روایاتی وجود دارد که جرح نشده است. از نکات جالب توجه این که ابن خلدون پی‌درپی از منکران مهدی به صورت مبهم یاد می‌کند، ولی حتی یک نفر را به عنوان منکر احادیث مهدی نام نمی‌برد تا آن را همراه خویش سازد و موضع خود را تقویت نماید. ابن خلدون استدلال دوم خود را که بر پایه دیدگاه جامعه‌شناختی وی بنا شده، آن هنگام از بین می‌برد که می‌نویسد:

اما ادعا جز عمل برخی از عامه که منتظر ظهور آن فاطمی هستند، پذیرفتنی نیست؛ چه آنان ابلهانی هستند که نه به عقل آراسته‌اند و نه از علم بهره برده‌اند... اینان معتقدند که فاطمی از زاب در مغرب ظهور خواهد کرد... .

ابن خلدون اگر به مفاد گفته خود ملتزم باشد، باید بپذیرد که تنها عصیبت نیست که می‌تواند پشتوانه قیام و غلبه کسی چون مهدی باشد، بلکه وعده عدالت‌خواهی آن فاطمی است که مردم را به دنبال آن می‌کشاند، اگرچه هیچ ربط و نسبتی بین آنان و آن فاطمی نباشد. از قرن هشتم تا عصر حاضر به جز ابن خلدون نام منکر دیگری را در کتب در این باره نمی‌یابیم. محمد رشید رضا در عصر حاضر معروف‌ترین سلفی‌گرای شمال آفریقا با تأثیرپذیری از ابن خلدون^{۷۳} و محمد عبده در این باره می‌نویسد:

مسئله مهدی علیه السلام که از اسرائیلیات است، اساساً یک مسئله سیاسی است که لباس دین پوشیده و هیچ روایتی در آن نیست مگر این که در اسانید شیعی وجود دارد و زنادقه به دلیل این که سلطنت را از عرب گرفته و ملک فارس را اعاده کنند، بحث مهدویت را دنبال می‌کنند.^{۷۴}

وی در ادامه می‌نویسد:

بیشتر مطالب کتاب الفتن، اقوال صحابه و تابعین است و کمتر سلسله اسناد به پیامبر می‌رسد. با وجود این، اشکالی بر کتاب وارد نمی‌شود؛ زیرا همان‌که بیان کردیم، تا اواخر قرن دوم، سنت بر اقوال پیامبر، صحابه و تابعین اطلاق شده است.

تعارض در احادیث مهدی روشن است... و منکران آن زیادند... و برای همین شیخان (بخاری و مسلم) در صحیح خود آن را روایت نکرده‌اند. مسئله مهدی علیه السلام باعث فتنه‌های زیادی در جوامع اسلامی شده است؛ زیرا بسیاری از محبان ریاست و سلطنت از نام مهدی استفاده نموده‌اند و بدعت و فساد در زمین ایجاد کرده‌اند... و باعث شده که بسیاری از علما برای ایجاد عدالت به پا نخیزند؛ زیرا مهدی ظهور خواهد کرد و عدالت و حق‌خواهی را گسترش خواهد داد... ابن خلدون بزرگ با صدای رسا گفته است که خداوند سنت‌هایی دارد و... یکی از آنها این است که دولت‌ها و حکومت‌ها بدون عصیبت قومی پایدار نمی‌مانند و عجم‌ها (ترک‌ها و فارس‌ها) عصیبت را از قریش و عترت رسول گرفته‌اند، پس اگر اخبار مهدی صحیح باشد، ظهورش ممکن نیست، مگر بعد از تجدید عصیبت هاشمی علوی... و مسلمانان همیشه از ظهور مهدی صحبت کرده‌اند و خیال کرده‌اند سنت‌های الهی نقض خواهد شد... و حال آن که مسئله مهدی... از عصیبت فارس مجوس است که سعی و تلاش بر انهدام سلطنت عربی دارد... و در تبلیغ مباحث مهدویت برای کعب‌الاحبار مقام والایی است...^{۷۵}

رشید رضا در ادامه به تعارضات و تناقضات احادیث مهدی می‌پردازد و آن را دلیل وضع و جعل احادیث رسیده در باب مهدی می‌داند و می‌نویسد:

روایات مهدی بعد از شهادت امیرالمومنین وضع شده تا بشارتی باشد بر انتقام مهدی از بنی‌امیه و در همین باره خروج سفیانی از بنی‌امیه جعل گردیده است.

وی برای تأیید حرف خود از استادش محمد عبده نقل می‌کند که اسلام صحیح همانی است که در صدر و قبل از ظهور فتنه‌ها بر آن بودند. بنابراین، احادیث بسیار کمی از روایات فتن که در صحاح سته آمده، پذیرفته است.^{۷۶} رشید رضا در جایی دیگر بدون این که اصل مطلب را رد نماید، به بعضی از مشکلات آن می‌پردازد و می‌نویسد:

خاص و عام می‌دانند که از علامات قیامت این است که مردی از آل بیت نبی با لقب مهدی ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود و در آخر حکومت او، عیسی نزول خواهد کرد... و دجال را خواهد کشت... از ضررهای این انتظار مأیوس شدن مسلمانان از اعاده عدل و مجد اسلام است...^{۷۷}

با بررسی عبارات رشید رضا خواهیم یافت که تأثیرپذیری وی از ابن خلدون، اصلاح‌طلبی متأثر از عبده، مشکلاتی که وی در عقیده به مهدویت می‌دید، عصیبت عربی ایشان و مخالفت با شیعیان، علل اصلی انکار مهدویت وی بوده است. تنها ادعای اسرائیلیات بودن این آموزه یا آن که در تمام سلسله اسناد شیعیان وجود دارد، دلیل بر انکار آن نیست.

بستوی می‌گوید:

با بررسی تمام روایات مهدویت به این نتیجه رسیدیم که کعب الاحبار در هیچ یک از سلسله سندهای احادیث و آثار صحیح در باب مهدویت وجود ندارد و ثانیاً در روایات صحیح هیچ تعارضی وجود ندارد، بلکه تعارض در روایات ضعیف است.^{۷۸}

از دیگر افراد معاصر منکر مهدویت، احمد امین مصری در کتاب ضحی الاسلام است. وی احادیث مهدی علیه السلام را ساخته شیعیان می‌داند.^{۷۹} در ادامه به مسئله‌ای می‌پردازد که به گونه‌ای می‌تواند جواب خودش باشد. احمد امین می‌نویسد:

امویان در برابر جعل احادیث مهدی علیه السلام از شیعیان کوتاه آمدند و سفیانی را در مقابل آن ساختند. عباسیان سکوت کردند تا بتوانند به نفع خود مسئله را خاتمه دهند... ولی من از معتزله انتظار داشتم که نقاب از این گمراهی بردارند، ولی مع‌الأسف چیزی در این باب نیافتیم، ولی زیدیه که خلف معتزله‌اند، منکر مهدی علیه السلام شدند و در کتبشان به انکار روایات مهدویت پرداختند...^{۸۰}

مع‌الأسف احمد امین به صرف ادعا، زیدیه را منکر مباحث مهدویت می‌داند، در حالی که نه تنها زیدیه منکر اصل مهدویت نبوده‌اند، بلکه بر آن صحنه هم گذاشته‌اند. زید بن علی در مجموعه رسائل خود می‌نویسد:

المهدی حق و هو کائن من أهل بیت و لن تبرکوه و ذلک یكون عند انتقاع الزمن فلا تنکلو عن الجهاد...^{۸۱}

در مجموعه رسائل امام مرتضی محمد بن یحیی الهادی (م ۳۱۰ قمری) آمده است:

از ایشان درباره مهدی سؤال کردم و این که او فرزند کیست. وی جواب داد: از وعده‌های الهی است. از ابناى حسن یا حسین که ظهور خواهد کرد....

وی در جایی دیگر حدیث مهدی را تصدیق می‌کند و روایات را با سود را می‌پذیرد.^{۸۲} عالم دیگری زیدی مذهب، حسین بن بدرالدین (م ۶۳۳ قمری) در کتاب ینابیع النصیحه روایات مهدی را می‌آورد و می‌نویسد: «اخبار در باب مهدی آخرالزمان کثیر است.»^{۸۳} بعضی هم چون سامی النشار در نشأة الفكر الفلسفی فی الاسلام^{۸۴} و احمد محمود صبحی در فی علم الکلام قسم الزیدیه،^{۸۵} قائلند که در زیدیه هر امامی که مردم را به سوی خود فراخواند و شرایط امامت را دارا باشد، مهدی است. این دو نویسنده در بیان مطالب پیشین خطا کرده‌اند؛ زیرا کلام سید عبدالرحمن الموبد بن الضحیانی نافی دیدگاه آنان است. ضحیانی می‌گوید:

ما منکر این نیستیم که هر امام جامع الشرایطی مهدی است، ولی این مهدی‌ها غیر از آن مهدی منتظری هستند که پیامبر وعده داده است که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد.^{۸۶}

امام یحیی بن حسین برخلاف دیدگاه احمد صبحی و سامی النشار در رسائل العدل و التوحید مهدی را آخرین امام از نسل حضرت امیر برمی‌شمردند.^{۸۷} اشعری در مقالات الاسلامیین نقل می‌کند که عده‌ای از زیدیه نفس زکیه، تعدادی محمد بن قاسم و فرقه‌ای یحیی بن عمر را مهدی می‌دانند که در آخرالزمان ظهور می‌نماید.^{۸۸} بنابراین، دیدگاه احمد امین در باب زیدیه نه تنها شواهدی ندارد، بلکه شواهدی بر ضد آن بیان شده است.

معروف‌ترین منکران مهدویت را بیان نمودیم، اما هیچ یک از آنان ادله محکمی نداشتند و حتی بعضی از کلماتشان ناقض کلمات دیگر بود. ادله منکران دیگر نیز شبیه افراد بیان شده است. محمد محیی‌الدین عبدالحمید احادیث مهدی را از اسرائیلیات می‌داند. سعد محمد حسن مؤلف المهدیه فی الاسلام آنها را ساخته شیعیان می‌داند که جواب آن گذشت و پاسخ مبسوط آن را در کتاب مصلح جهانی، ترجمه کتاب عبدالمحسن عباد می‌توان پی گرفت.

گفتنی است به غیر از ابن خلدون، تمام منکران از اندیشه‌ورزان معاصر و بیشتر آنان اهل مصر هستند. این انکار تحت تأثیر مسائل اجتماعی - سیاسی عصر حاضر هم‌چون عقل‌گرایی و شک‌گرایی پدید آمده دوران مدرنیته اروپا می‌تواند باشد. بنابر بررسی اوضاع مصر، نگاه منفی محمد عبده به روایات فتن و مخالفت شدید وی با تصوف را از یک سوی و تبلیغ شدید صوفیان از مهدویت، کوتاهی آنان در برابر تجاوزات فرهنگی - سیاسی اروپاییان و عدم همراهی آنان با اصلاحات را از سوی دیگر، نمی‌توان در رواج این اندیشه بی‌تأثیر دانست.

نگاه کلی به جایگاه موعودباوری در اندیشه اهل سنت

بنابر روایات اهل سنت درباره مهدی علیه السلام، او خلیفه عادل است که در آینده و در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد. با وجود ذکر علائم و نشانه‌هایی که قبل از قیام او ظاهر می‌شود، اجمال در اندیشه اصحاب حدیث و تفصیل در اندیشه سنیان متشیع، نوسان دارد، ولی همه در پر شدن جهان از ظلم و جور اتفاق نظر دارند. موضوع سفیانی در اصحاب حدیث متساهل و غیبت کبرا در سنیان متشیع از عناوین مهم شمرده می‌شوند. موعود اهل سنت به لحاظ ماهوی، شخصی، بشری و از نسل فاطمه به شمار می‌رود که توفیقات و برکات الهی دارد. هیچ صفت ربوبی و حتی صفات فوق بشری هم‌چون عصمت و علم غیب در وی وجود ندارد، اگرچه بعضی مطالب را می‌دانند. او در زمره منجیان جمعی، تنها برای مسلمانان است و هیچ هدایتی برای مردم از جمله هدایت معنوی برعهده ندارد، اگرچه در نگاه سنیان متشیع تحت تأثیر روایات شیعی این جنبه تقویت شده است. بنابر دیدگاه اصحاب حدیث کارکرد او بیشتر اجتماعی و نجات‌بخشی‌اش تنها اجتماعی است که در راه رفاه برای مردم عدالت‌پروری نیز می‌کند.

نجات‌گری مهدی موعود در اندیشه اهل سنت قوم‌مدار نیست، بلکه امت‌مدار است و با طرح نجات مسلمانان، غیرمسلمانان نیز به عدل، امن و رفاه می‌رسند. بنابر اندیشه آنان، کار مهدی احیا و تجدید سنت قسط‌مدارانه پیامبر اسلام است و از این حوزه خارج نخواهد شد و به زعم اکثر اصحاب حدیث کار وی تجدید سنت عادلانه صدر اسلام و خلفاست. موعود اندیشه اهل سنت، رو به آینده دارد و در زمره موعودهای پایانی است. قیام و قعود او پیوند مستقیم با پایان پذیرفتن عالم ندارد و تنها چند صباحی بعد از وی زندگی در زمین ادامه دارد. موعودباوری در اندیشه اهل سنت را می‌توان طبق زیر تقسیم‌بندی نمود:

به لحاظ ماهیت: موعود شخصی و بشری صرف (بدون جنبه الوهی و حتی بدون جنبه فوق طبیعی در نگاه اصحاب حدیث)؛
به لحاظ کارکرد: نجات‌بخش جمعی؛
به لحاظ کارکرد اجتماعی: در نگاه متکلمان و اصحاب حدیث؛

این دسته از سنیان، در فقه پیرو یکی از فقه‌های اربعه بوده‌اند و خلفا را پذیرفته‌اند، اما با عنوان‌هایی هم‌چون «هو شیعی»، «هو یتشیع»، «سنیان دوازده امامی» و «سنیان متشیع» شناخته و معرفی گردیده‌اند. بعضی از اینان در باب حضرت مهدی علیه السلام کتاب نوشته‌اند و گاه تمام آموزه‌های شیعی را در باب مهدویت پذیرفته‌اند.

گونه‌های اندیشه موعود در اهل سنت: نجات‌بخش صرفاً اجتماعی و در نگاه سنیان
متشیع، معنوی و اجتماعی؛
به لحاظ فراگیری: موعود جهان‌شمول یا امت مدار (جهان اسلام)؛
به لحاظ آرمان: نگاه به آینده دارد و موعود پایانی است؛
به لحاظ کیهان‌شناختی: کارکرد کیهانی ندارد.

فهرست منابع :

- اشعری، ابوالحسن: الابانه عن اصول الديانه، تحقيق عباس صباغ، چاپ اول: دارالنفائس للطباعة و النشر، بيروت، ۱۴۱۴ قمری.
- آل بوطامی البعلی، احمد بن حجر: العقائد السلفیه بادلتهما العقلیه و النقلیه، چاپ اول: دارالکتب القطریه، ۱۴۱۵ قمری.
- آمدی، سیف الدین: ابکار الافکار فی اصول الدین، تحقيق احمد محمد المهدی، چاپ اول: دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، ۱۴۲۳ قمری.
- ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهیم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ابن ابی شیبہ، عبدالمحمد: کتاب المصنف فی الاحادیث و الآثار، تحقيق محمد عبدالسلام شاهین، چاپ اول: دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۶ قمری.
- ابن بلیان فارسی، علی: صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلیان، تحقيق شعيب الارنؤوط، چاپ سوم: مؤسسه الرساله بیروت، ۱۴۱۸ قمری.
- ابن خلدون، عبدالرحمن: مقدمه ابن خلدون، مطبعه مصطفى محمد، مصر، بی تا.
- _____ : مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروینی گنابادی، چاپ پنجم: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶ شمسی.
- ابن طائوس، علی بن موسی: الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، چاپ پنجم: منشورات الرضی، قم، ۱۳۹۸ قمری.
- ابن ماجه، محمد بن یزید: سنن ابن ماجه، تحقيق محمود محمد محمود حسن نصار، چاپ اول: دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ قمری.
- ابی داود، سلیمان بن اشعث: سنن ابی داود، تحقيق محمد محیی الدین عبدالحمید، انتشارات مکتبه العصریه، بیروت.
- اشعری، ابوالحسن: رساله الی الثغر، تحقيق عبدا.. شاکر محمد الجنیدی، مکتبه العلوم و الحکم مدینه، چاپ دوم، ۱۴۲۲ قمری.
- الهامی، داود: امامان اهل بیت در گفتار اهل سنت، چاپ اول: انتشارات مکتب اسلام، قم، ۱۳۷۷ شمسی.
- امام مرتضی، محمد بن یحیی الهادی: مجموع کتب و رسائل الامام المرتضی، چاپ اول: منشورات مکتبه التراث الاسلامی، یمن، ۱۴۲۳ قمری.
- امام یحیی بن حسین: رسائل العدل و التوحید، تحقيق محمد عماره، دارالهلال، بی تا.
- امین، احمد: ضحی الاسلام، چاپ دهم: دارالکتب العربی، بیروت، بی تا.
- باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب: التمهید فی الرد علی الملحد، تحقيق محمد محمد الخضیری، دارالفکر العربی، بی تا.
- بجنوردی، سید کاظم: دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل: صحیح البخاری، تحقيق قاسم الشماعی الرفاعی، چاپ اول: دارلقلم، بیروت، ۱۴۰۷ قمری.
- بزودی، ابوالیسر: اصول الدین، تحقيق هانز بیترنس، داراحیاء الکتب العربیه، قاهره، ۱۳۸۳ قمری.
- بستوی، عبدالعلیم عبدالعظیم: المهدی المنتظر، چاپ اول: المکتبه المکیه و دارابن حزم، ۱۴۲۰ قمری.
- بغدادی، عبدالقاهر، اصول الدین، چاپ سوم: دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۱ قمری.
- بهاء الدین زاده، محیی الدین محمد بن بهاء الدین: القول الفصل شرح الفقه الاکبر للامام ابی حنیفه، چاپ اول: تحقيق رفیق العجم، انتشارات دارالمنتخب العربی، بیروت، ۱۴۱۸ قمری.
- بیاضی حنفی، کمال الدین احمد: اشارات المرام من عبارات الامام، تحقيق يوسف عبدالرزاق، چاپ اول: انتشارات مطبعه مصطفى ثانی جلی و اولاده، مصر، ۱۳۶۸ قمری.
- بیومی مصری، محمد: الامامة و اهل بیت، چاپ اول: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۵ قمری.
- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر: شرح العقائد النسفی، تحقيق محمد عدنان درویش و شیخ ادیب الکلاس، بی جا، بی تا.
- _____ : شرح المقاصد، تحقيق دکتر عبدالرحمن عمیره و صالح موسی شرف، منشورات شریف الرضی، قم، ۱۴۰۹ قمری.
- تویجری، حمود بن عبدا..: اتحاف الجماعه بما جاء فی الفتن و الملاحم و اشراط الساعه، چاپ دوم: دارالصمیمی للنشر والتوزیع، ریاض، ۱۴۱۴ قمری.
- جرجانی، علی بن محمد: شرح المواقف، چاپ اول: منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ قمری.
- جعفریان، رسول: تاریخ تشیع در ایران، چاپ اول: انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۷۵ شمسی.
- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد: فرائد السمطین، تحقيق شيخ محمد باقر محمودی، چاپ اول: مؤسسه المحمودی للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۰۰ قمری.
- جوینی، عبدالملک: کتاب الارشاد الی قواطع الادله فی اصول الاعتقاد، تحقيق اسعدتیم، چاپ سوم: مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، ۱۴۱۶ قمری.
- جوینی، عبدالملک: الشامل فی اصول الدین، تحقيق فرانک، چاپ اول: مؤسسه مطالعات اسلامی، تهران، ۱۳۶۰ شمسی.
- حسین بن بدرالدین: نیا بیع النصیحه فی العقائد الصحیحه، تحقيق مرتضی بن زید المحطوری الحسنی، چاپ دوم: مکتبه بدر للطباعة و النشر و التوزیع، صنعاء یمن، ۱۴۲۲ قمری.

حسینی جلالی، سید محمد جواد: احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل، چاپ ششم: مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ قمری.

خسروشاهی، سید هادی: مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، چاپ دوم: انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴ شمسی.

رشید رضا، محمد: تفسیر المنار، چاپ دوم: دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

زمرلی، فوز احمد: عقاید ائمه السلف، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۹۹۵ میلادی.

زید بن علی: مجموع کتب و رسائل الامام الاعظم امیرالمومنین زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب، جمع و تحقیق ابراهیم یحیی الدرسی الخمری، چاپ اول: منشورات مرکز اهل بیت الدراسات الاسلامیه، یمن، ۱۴۲۲ قمری.

سامی النشار، علی: نشأة الفكر الفلسفی فی الاسلام، چاپ هفتم: دارالمعارف، مصر، ۱۹۷۷ میلادی.

شبلنجی، مومن بن حسن: نور الابصار فی مناقب آل النبی المختار، دارالفکر، بیروت، بی تا.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم: نهایه الاقدام فی علم الکلام، تحقیق الفرد جیوم، مکتبه المبتنی، قاهره، بی تا.

شیبانی، محمد بن حسن: کتاب الاصل، تحقیق ابوالوفاء الافقانی، مجلس دائره المعارف العثمانیه، حیدرآباد دکن، ۱۳۹۳ قمری.

صبحی، احمد محمود: فی علم الکلام، چاپ سوم: دارالنهضة العربیه، بیروت، ۱۴۱۱ قمری.

طبرانی، سلیمان بن احمد: المعجم الکبیر، تحقیق حمدي عبدالمجید السلفی، چاپ دوم: وزارت اوقاف عراق، ۱۴۰۶ قمری.

عبدالباقی، محمد فؤاد: اللؤلؤ والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان، دارالفکر، بی تا.

غزالی، محمد: الاقتصاد فی الاعتقاد، تحقیق دکتر عادل العواد، چاپ اول: انتشارات دارالامانه، بیروت، ۱۳۸۸ قمری.

غزنوی حنفی، جمال الدین احمد بن محمد: اصول الدین، تحقیق دکتر عمر وفیق الدعوق، چاپ اول: انتشارات دارالبشائر الاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۹ قمری.

فخررازی، محمد بن عمر: المطالب العالیه من العلم الالهی، تحقیق احمد حجازی سقا، چاپ اول: دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ قمری.

_____ : البراهین فی علم الکلام، تحقیق سید محمدباقر سبزواری، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ شمسی.

فرمانیان، مهدی: اهل سنت، مجله هفت آسمان، ش ۱۷، سال پنجم، بهار ۱۳۸۲.

فقیه ایمانی، مهدی: الامام المهدی عند اهل السنة، چاپ دوم: مجمع جهانی اهل بیت، قم، ۱۴۱۸ قمری.

قاری، علی بن سلطان محمد: مرآة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، تحقیق جمال عیتانی، چاپ اول: منشورات محمدعلی بیضون و دالکتاب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲ قمری.

_____ : منح الروضی الازهر فی شرح الفقه الاکبر، تحقیق شیخ وهبی سلیمان غاوجی، چاپ اول: انتشارات دارالبشائر الاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۹ قمری.

قاضی عبدالجبار معتزلی: المغنی فی ابواب التوحید و العدل، تحقیق محمود محمد قاسم، وزارت الثقافه مصر، بی تا.

قراملکی، احمد فرمرز: هندسه معرفتی کلام جدید، چاپ اول: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۸ شمسی.

قرطبی، محمد بن احمد: التذکره فی اصول الموق و امور الاخره، تحقیق الدانی بن منیر آل زهوی، چاپ اول: مکتبه العصریه، بیروت، ۱۴۲۱ قمری.

گنجی شافعی، محمد بن یوسف: البیان فی اخبار صاحب الزمان، تحقیق محمد مهدی خراسانی، چاپ اول: منشورات موسسه الهادی للمطبوعات، قم، ۱۳۹۹ قمری.

مالک بن انس: الموطن، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، چاپ اول: داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۶ قمری.

متقی هندی علی: کنز العمال، تحقیق صفوه السقا، چاپ اول: مؤسسه الرساله بیروت، ۱۴۱۳ قمری.

محمد احمد اسماعیل المقدم: المهدی و فقه اشراف الساعه، چاپ اول: الدار العالمیه، اسکندریه مصر، ۱۴۲۳ قمری.

محمد بن علی بن سلوم، مختصر لوازم الانوار البهیة و سواطع الاسرار الاثریه شرح الدرۃ المزیة فی عقد الفرقة المرضیه، تحقیق محمد زهری النجار، دارالباز للنشر و التوزیع و دارالکتب العلمیه، بیروت و مکه، ۱۴۰۳ قمری.

مسلم، مسلم بن الحجاج: صحیح مسلم، چاپ اول: دار ابن حزم للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۶ قمری.

نسفی، ابوحفص: العقاید النسفیة، تحقیق قاسم محمد الرجب، مکتبه المثنی، بغداد، ۱۳۳۶ قمری.

نسفی، ابومعین: تبصرة الادلة فی اصول الدین، تحقیق کلود سلامه المعهد العلمی الفرنسی، چاپ اول: دمشق، ۱۹۹۰ میلادی.

نعیم بن حماد، ابوعبدالله... مروزی: کتاب الفتن، تحقیق دکتر سهیل ذکار، انتشارات دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، مکه، ۱۹۹۱ میلادی.

نوری طبرسی، میرزا حسین: کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار، چاپ اول: منشورات موسسه النور للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ قمری.

یوسف الوابل، یوسف بن عبد... اشراف الساعه دارابن الجوزی، چاپ یازدهم: عربستان، ۱۴۱۹ قمری.

یوسف بن یحیی شافعی: عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، چاپ اول: مکتبه عالم النکر، قاهره، ۱۳۹۹ قمری.

پی‌نوشت‌ها:

- * عضو هیئت علمی مرکز ادایان و مذاهب
۱. در مقابل این موج، اصحاب حدیث اهل سنت در دهه‌های گذشته، کتب متعددی در تأیید مهدویت نوشته‌اند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.
 ۲. نک: مهدی فرمانیان، «مدخل اهل سنت»، مجله هفت آسمان، ش ۱۷، سال پنجم، بهار ۱۳۸۲.
 ۳. المصباح المنیر، ص ۱ و ۲ ص ۳۹۲.
 ۴. تا قبل از احمد بن حنبل، حدیث‌گرایان را اصحاب اثر، یعنی آثار رسیده از پیامبر، صحابه و تابعین می‌گفتند و سنت، به اقوال پیامبر، صحابه و تابعین اطلاق می‌شد. شافعی اولین نفری بود که سنت را بر آثار پیامبر اطلاق کرد و بعدی‌ها این را پذیرفتند.
 ۵. نک: فتاوی‌احمد زمرلی، عقاید ائمه السلف، ص ۱۹ - ۳۷، دارالکتاب العربی، بیروت ۱۹۹۵ میلادی.
 ۶. ابوالحسن اشعری، الابانه عن اصول الدیانة، تحقیق عباس صباغ، چاپ اول: دارالتفاس للطباعة و النشر، بیروت ۱۴۱۴ قمری.
 ۷. نک: سیدکاظم بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، «مدخل اصحاب حدیث»، ج ۹، ص ۱۱۸.
 ۸. مالک بن انس، الموطأ، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، چاپ اول: دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۶ قمری، آمده است که ما به ظواهر آیات تمسک کرده‌ایم و از کیفیت آنان سؤال نمی‌کنیم.
 ۹. بر این رساله شروح متعددی نوشته شده که آخرین شرح نوشته البانی، حدیث‌شناس معروف سلفی عصر حاضر، با نام شرح العقيدة الطحاویه است.
 ۱۰. درباره مفهوم اهل سنت نک: مدخل سنت در دائرة المعارف اسلام انگلیسی و دائرة المعارف فارسی مصاحب، دیوبندیه و نیز بریلویه، مجله طلوع، ش ۶.
 ۱۱. درباره تعاریف علم کلام نک: احمد فرامرزی قراملکی، هندسه معرفتی کلام جدید، فصل اول، چاپ اول: انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران ۱۳۷۸ شمسی.
 ۱۲. محمد غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد، تحقیق دکتر عادل العواد، ص ۲۱۳، چاپ اول: انتشارات دارالامانه، بیروت ۱۳۸۸ قمری.
 ۱۳. مؤلف با این که به بحث اشراف الساعه پرداخته، ولی بحث مهدی را نیاورده است.
 ۱۴. شرح العقائد النسقیة، تحقیق محمد عدنان درویش و شیخ ادیب الکلاس، ص ۲۷۳ - ۲۷۴، بی‌جا، بی‌تا.
 ۱۵. شرح المقاصد، تحقیق دکتر عبدالرحمن عمیره و صالح موسی شرف، ج ۵، ص ۳۱۲ - ۳۱۵، منشورات شریف رضی، قم ۱۴۰۹ قمری.
 ۱۶. یادآور می‌شویم که در خود فقه الاکبر نامی از مهدی علیه السلام نیامده است، بلکه خروج دجال، نزول عیسی و... آمده است. کتاب فقه الاکبر در کلام، منسوب به ابوحنیفه به شمار می‌رود.
 ۱۷. منح الروض الازهر فی شرح الفقه الاکبر، تحقیق شیخ وهبی سلیمان غاوجی، ص ۳۲۴ - ۳۲۶، چاپ اول: انتشارات دارالبشائر الاسلامیه، بیروت ۱۴۱۹ قمری.
 ۱۸. القول الفصل شرح الفقه الاکبر للامام ابی حنیفه، تحقیق رفیق العجم، ص ۴۳۸ - ۴۴۲، چاپ اول: انتشارات درالمنتخب العربی، بیروت ۱۴۱۸ قمری؛ کمال‌الدین احمد بیاض حنفی، اشارات العرام من عبارات الامام، تحقیق یوسف عبدالرزاق، ص ۶۷، چاپ اول: انتشارات مطبعه مصطفی ثانی جلی و اولاده، مصر ۱۳۶۸ قمری.
 ۱۹. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیمی، ج ۱، ص ۲۸۱ - ۲۸۲، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا؛ الامام المهدی عند اهل السنه، ص ۱۲۷ - ۱۲۸.
 ۲۰. در طیف اصحاب حدیث اهل سنت، دو جریان وجود دارد: جریانی که به کلیه احادیث به دیده مثبت نگاه کرده و احادیث موضوع و ضعیف را نادر و اندک دانسته و جریانی که در پذیرش احادیث سخت‌گیر بوده و هر حدیثی را نمی‌پذیرد.
 ۲۱. مقدمه کتاب الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، چاپ پنجم: منشورات الرضی، قم ۱۳۹۸ قمری. این کتاب خلاصه‌ای است از سه کتاب الفتن، نعیم بن حماد، الفتن، ابوصالح سلیمی و الفتن، زکریا بن یحیی یزاز (م ۲۹۸ قمری) که مع الاسف به غیر از الفتن ابن حماد، نه مؤلف آن دو کتاب دیگر معروفند و نه اکنون کتابشان موجود است.
 ۲۲. این کتاب در مکتبه السیره نیز موجود است.
 ۲۳. توضیح درباره سنیان متشیع خواهد آمد!
 ۲۴. رساله العرف الوردی فی اخبار المهدی، تألیف جلال‌الدین سیوطی، خلاصه‌ای از اربعین ابونعیم اصفهانی است.

۲۵. درباره کتب مفقود شده با توجه به نقل قول‌های دیگران از آنان، نوع نگرش آنان را می‌توان بازیابی نمود. درباره بیان فی اخبار صاحب الزمان به بحث «سنیان متشیع» این مقاله نگاه کنید.
۲۶. تحقیق جمال عیتانی، ج ۱۰، ص ۸۹ - ۹۸، چاپ اول: منشورات محمدعلی بیضون و دارالکتاب العلمیه، بیروت ۱۴۲۲ قمری.
۲۷. تحقیق دکتر سهیل ذکار، ص ۱۵۰ - ۱۶۵، انتشارات دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، مکه ۱۹۹۱ میلادی؛ یوسف بن یحیی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، ص ۴۳ - ۶۶، چاپ اول: مکتبه عالم الفکر، قاهره ۱۳۹۹ قمری؛ الملاحم و الفتن، ص ۳۸ - ۴۹: الامام المهدی عند اهل السنه و
۲۸. الفتن، ص ۱۶۵ - ۱۷۵؛ عقد الدرر، ص ۶۷ - ۹۹ و
۲۹. محمد بن یوسف گنجی شافعی، بیان فی اخبار صاحب الزمان، تحقیق محمد مهدی خراسانی، ص ۱۰۵ - ۱۰۷، چاپ اول: منشورات مؤسسه الهادی للمطبوعات، قم ۱۳۹۹ قمری. احادیث روایات سود در بسیاری از کتب حدیثی معتبر اهل سنت آمده است.
۳۰. الفتن، ص ۲۰۸ - ۲۱۰.
۳۱. همان، ص ۲۱۱ - ۲۱۳.
۳۲. همان، ص ۲۱۶.
۳۳. همان، ص ۲۲۰ - ۲۲۷.
۳۴. همان، ص ۲۳۰. (فقط در صفحه ۳۵۲ در روایتی از عبدالله بن عمر در باب نماز خواندن مهدی علیه السلام خلف عیسی آمده که عیسی پشت سر مهدی نماز می‌خواند. بعضی روایات دیگر نام مهدی را ندارد ولی نام رجل صالح و امام مسلمانان در آنها هست.
۳۵. همان، ص ۲۳۲ - ۲۳۳.
۳۶. همان، ص ۲۴۰.
۳۷. نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی «مدخل اصحاب حدیث»، ج ۹، ص ۱۱۸.
۳۸. عقد الدرر، ص ۲۶۶.
۳۹. همان، ص ۲۷۴ و ۲۷۷.
۴۰. ص ۸۰ - ۸۴.
۴۱. احمد بن حجر بوطامی البعلی، العقائد السلفیه بأدلتها العقلیه و النقلیه، ج ۲، ص ۴۵۱ - ۴۵۴، چاپ اول: دارالکتاب القطریه، ۱۴۱۵ قمری.
۴۲. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، تحقیق قاسم الشماعی الرفاعی، ج ۴، (کتاب الانبیاء باب نزول عیسی)، ص ۶۳۳، چاپ اول: انتشارات دارالقلم، بیروت ۱۴۰۷ قمری؛ محمد فؤاد عبدالباقی، اللؤلؤء و المرجان فیما اتفق علیه الشیخان، ج ۱، ص ۳۱، انتشارات دارالفکر، بی‌تا.
۴۳. تحقیق محمود محمد محمود حسن نصار، ج ۴، کتاب الفتن، باب خروج المهدی، ص ۴۵۲ - ۴۵۵، چاپ اول: انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۹ قمری.
۴۴. تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، ج ۴، کتاب المهدی، ص ۱۰۶ - ۱۰۹، ح ۴۲۷۹ - ۴۲۹۰، انتشارات مکتبه المصریه، بیروت.
۴۵. الامام المهدی عند اهل السنه، ص ۴۳ - ۴۴.
۴۶. نک: سید محمد جواد حسینی جلالی، الاحادیث المهدی فی مسند احمد بن حنبل، ص ۵۵ - ۶۸، چاپ ششم: مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۱۷ قمری.
۴۷. نک: الامام المهدی عند اهل السنه، ص ۱۵ - ۱۸.
۴۸. تحقیق محمد عبدالسلام شاهین، ج ۷، ص ۵۱۲ - ۵۱۳، ح ۳۷۶۲۷ - ۳۷۶۴۲، چاپ اول: انتشارات دارالکتاب العلمیه، بیروت ۱۴۱۶ قمری. (مع الأسف کتاب الامام المهدی عند اهل السنه تمام روایات را نیآورده است.)
۴۹. تحقیق حمده عبدالحمید السلفی، ج ۱۰، ص ۱۳۱ - ۱۳۷ (بیست حدیث)، چاپ دوم: انتشارات وزارت اوقاف عراق، ۱۴۰۶ قمری.
۵۰. علی بن بلبان فارسی، صحیح ابن حبان یتزیب ابن بلبان، تحقیق شعیب الارنؤوط، ج ۱۵، ص ۲۳۶ - ۲۳۹، ح ۶۸۲۳ - ۶۸۲۷، چاپ سوم: انتشارات مؤسسه الرساله، بیروت ۱۴۱۸ قمری.
۵۱. منهاج السنه رد کتاب منهاج الکرامه علامه حلی است، ولی در عین حال ابن تیمیه اصل مهدویت را تأیید کرده است.
۵۲. نک: الامام المهدی عند اهل السنه.
۵۳. ذوالقعد ۱۳۸۹ قمری، ص ۱۶۲. (به نقل از: بستوی، المهدی المنتظر، ج ۱، ص ۵۹، چاپ اول: المکتبه المکیه و دار ابن حزم، ۱۴۲۰ قمری)
۵۴. سلسله الاحادیث الصحیحه، مقدمه و ذیل حدیث یازده، ج ۴، ص ۴۲ - ۴۳: تخریج احادیث فضائل شام، ذیل حدیث ۱۸.
۵۵. این کتاب را آقای خسروشاهی در کتاب مصلح جهانی آورده و ترجمه کرده است. (مصلح جهانی و مهدی موعود از

- دیدگاه اهل سنت، ص ۱۰۳ - ۲۹۶، چاپ دوم: انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۸۴ شمسی)
۵۶. وی بحث مبسوطی در باب مهدی می آورد و آن را یکی از عقاید مسلم اهل سنت و جماعت می داند.
۵۷. وی در کتاب به بررسی ۴۶ حدیث و اثر صحیح و ۲۹۲ حدیث و اثر ضعیف با موضوع پرداخته و در پایان هشت حدیث مصرح و ۲۲ حدیث غیر مصرح را به عنوان احادیث صحیح پذیرفته است. (ج ۱، ص ۳۵۵)
۵۸. ص ۲۴۹ - ۲۷۵، چاپ یازدهم: عربستان، ۱۴۱۹ قمری. بحث خوب وی در این باره را می توان خلاصه مطالب بستوی دانست.
۵۹. ج ۲، ص ۴۵۱ - ۴۵۴.
۶۰. وی در گذشته کتابی کوچک به نام المهدی حقیقه لا خرافه نوشته که در این کتاب بسیار مفصل و مشروح آن را بسط داده و در هشت صد صفحه و حدود چهارصد منبع (با روی کردی سلفی) به مسئله مهدی علیه السلام پرداخته است.
۶۱. ابن کثیر گفته، چون امام حسن علیه السلام هنگام تفرقه امت از قدرت کناره گیری کرده، خداوند برای پاداش مهدی را از اولاد وی برگزیده است. (نک: نور الابصار، ص ۱۸۷) سنن ابی داوود نیز در حدیثی آورده که مهدی از اولاد حسن است.
۶۲. محمد احمد اسماعیل المقدم، المهدی و فقه اشراط الساعة، ص ۷۲۵ - ۷۲۸، چاپ اول: انتشارات الدار العالمیه، اسکندریه مصر ۱۴۲۳ قمری.
۶۳. نک: مقدمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید. همه معتزله بغداد و بعضی از معتزله بصره به این نظر معتقد بودند.
۶۴. ص ۲۰ - ۸۶، چاپ اول: منشورات مؤسسة النور للمطبوعات، بیروت ۱۴۰۸ قمری. یادآور می شویم که بعضی از افراد نام برده در این کتاب هم در فقه و هم در کلام شیعه هستند. داوود الهامی با همین روی کرد در کتاب امامان اهل بیت در گفتار اهل سنت بخشی را به نظرات علمای اهل سنت در باب مهدی می پردازد که غالباً از سنن متشیع هستند. (نک: داوود الهامی، امامان اهل بیت در گفتار اهل سنت، ص ۴۷۹ - ۵۰۷، چاپ اول: انتشارات مکتب اسلام، قم ۱۳۷۷ شمسی؛ رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ص ۷۲۵ - ۷۳۲، چاپ اول: انتشارات انصاریان، قم ۱۳۷۵ شمسی. جعفریان، فصلی را به سنن دوازده امامی اختصاص داده و تعدادی از علمای این طیف را نام برده است)
۶۵. وی بر خلاف سنن متشیع قائل به عصمت ائمه است و حال آن که بیشتر سنن متشیع به عصمت ائمه قائل نیستند.
۶۶. وی این کتاب را در رد امامیه نوشته، ولی در عین حال مهدی امامیه را پذیرفته است.
۶۷. وی کتابی به نام ابطال نهج الباطل در رد کتاب نهج الحق و کشف الصدق علامه

- حلی و رد امامیه نوشته، ولی در عین حال مهدی امامیه را پذیرفته است.
۶۸. درباره دیدگاه این افراد به غیر از کتب این نویسندگان (البته کتبی که در دست نگارنده بود)، از سه کتاب میرزا حسین نوری، داوود الهامی و رسول جعفریان که قبلاً از آنان یاد کردیم، از کتاب الامام المهدی عند اهل السنه نیز بهره برده ایم.
۶۹. کتاب دوم که مطالب مهم کتاب اول را نیز دربردارد، در کتاب سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، ترجمه شده و به بسیاری از اشتباهات عبدالله بن زید المحمود اشاره کرده است.
۷۰. مقدمه ابن خلدون، ص ۳۱۲، مطبعه مصطفی محمد، مصر، بی تا؛ همان، ترجمه محمد پروینی گنابادی، ج ۱، ص ۶۰۸، چاپ پنجم: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۶ شمسی.
۷۱. همان، ص ۳۲۲ و ص ۶۳۰.
۷۲. همان، ص ۳۲۷ - ۳۲۸ و ص ۶۳۹ - ۶۴۰.
۷۳. محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۹، ص ۴۸۰، چاپ دوم: انتشارات دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
۷۴. همان، ج ۹، ص ۴۸۲.
۷۵. همان، ج ۹، ص ۴۹۹ - ۵۰۱.
۷۶. همان، ج ۹، ص ۵۰۴ - ۵۰۶.
۷۷. همان، ج ۶، ص ۵۷ - ۵۸.
۷۸. المهدی المنتظر، ج ۱، ص ۳۷۷ - ۳۸۰.
۷۹. ج ۳، ص ۲۴۶ - ۲۷۳، چاپ دهم: انتشارات دارالکتب العربی، بیروت، بی تا.
۸۰. همان، ج ۳، ص ۲۴۳.
۸۱. مجموع کتب و رسائل الامام الاعظم امیرالمؤمنین زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، جمع و تحقیق ابراهیم یحیی الدرسی الحمزی، ص ۳۸۴، چاپ اول: منشورات مرکز اهل بیت الدراسات الاسلامیه، یمن ۱۴۲۲ قمری.
۸۲. محمد بن یحیی الهادی، مجموع کتب و رسائل الامام المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۸ و ۲۰۷ - ۲۱۰، چاپ اول: منشورات مکتبه التراث الاسلامی، یمن ۱۴۲۳ قمری.
۸۳. تحقیق مرتضی بن زید المحطوری الحسینی، ص ۴۶۸ - ۴۶۹، چاپ دوم: مکتبه بدر للطباعة و النشر و التوزیع، یمن ۱۴۲۲ قمری.
۸۴. ج ۲، ص ۱۳۲، چاپ هفتم: دار المعارف، مصر ۱۹۷۷ میلادی.
۸۵. ج ۳، ص ۱۲۸، چاپ سوم: انتشارات دارالنهضة العربیه، بیروت ۱۴۱۱ قمری.
۸۶. همان، ج ۳، ص ۱۲۸، پاورقی.
۸۷. تحقیق محمد عماره، ج ۲، ص ۷۴ و ۸۲، انتشارات دارالهلل، بی تا.
۸۸. نک: همین مجموعه، مهدی فرمانیان، «مقاله بازتاب موعود باوری»، بخش مهدویت و زیدیه.